سلام. خوبی؟ خیلی خوش اومدی به قلم پر... :evil:

از این که بعد از نه سال دوباره نشستی رو این صندلی چه حسی داری؟ حس و حالت نسبت به مصاحبه ی قبلی چقدر عوض شده؟

واقعا نه سال شد ؟!؟ باورم نمیشه اینقدر گذشته باشه. خیلی متفاوته ... دفعه پیش سایت خیلی شلوغ بود و پر از اعضای قدیمی‌تر از من، و انتخاب شدن من برای مصاحبه برای این حسو داشت که دارم کم کم وارد اعضای مهم اصلی سایت میشم. اینبار برعکسه سایت خلوته و من یکی از قدیمی‌ترین اعضاش، و انتخاب شدن من بهم این حسو داد که ببین من چقدر فسیلم که اینا فسیل‌تر از من پیدا نکردن :)))))

1. نام و نام خانوادگی، محل زندگی، سن، قد، وزن، رشته و میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، تعداد خواهر-برادر و از این جور چیزا... خیلی وقته روی این صندلی ننشستی. یه آشنایی سریع بده، دوستان خوشوقت شن! :دی

سهراب ، زاده اصفهان، ساکن تهران، 24 ساله ، قد ؟!؟!؟ قد آخه ؟!؟؟؟؟ ، وزن یه پر کاه، دانشجوی ترم آخر فوق‌لیسانس مدیریت، مجرد، سینگل، پذیرای همه ساحره‌های عزیز :ygrin: ، تک فرزند ... یه عاشق فلسفه و علوم انسانی که تصمیم داره رشته تحصیلیش رو تغییر بده.

خب دیگه، بریم سر اصل سوالا! :evil:

سوالات جادوگرانی:

2. توسط دوستت با هری پاتر آشنا شدی... اما جادوگران رو چطور پیدا کردی؟ عضویت تو ایفای نقش چه حسی داشت برات؟ شبیه فتح قله های آرزو بود؟
اونموقع‌ها طب وبلاگ‌نویسی بود، مثل الان که تب کانال تلگرام و اینستاگرامه، و منم یه وبلاگ هری‌پاتری داشتم که برای تامین مطالبش سرچ میکردم و با دوتا سایت ایرانی جادوگران و دمنتور آشنا شدم این وسط. مدت‌ها طول کشید تا پام به انجمنای جادوگران باز بشه و دقیقا یادم نیست چطور با ایفای نقش آشنا شدم ... ولی خوب بود، برای منی که عاشق نویسندگی بودم و هستم اونموقع تجربه جذابی بود.
3. جادوگران با اعضاش/پستاش/اتفاقاتش/اتمسفرش/همه چیش... چقد روت تأثیر گذاشت؟ اگه با جادوگران آشنا نمی شدی، چقد با الان فرق می کردی؟ چند درصد از وجودِ فعلیت، تأثیر گرفته از جادوگرانه؟
جادوگران قطعا خیلی روی من تاثیر گذاشته چون در سالای تاثیرپذیری هم توش فعال بودم (نوجوانی). قطعا خیلی از چارچوب های نوشتن رو توی آزمون و خطاهای جادوگران یاد گرفتم، خیلی دوستای خوبی پیدا کردم که بعضاً هنوزم توی زندگیم هستن، خیلی چیزا درباره روابط اجتماعی و دوست‌یابی توش یادگرفتم، خاطرات خیلی خوبی توش ساختم و حتی اولین بار عشق رو اینجا تجربه کردم :ygrin: ... اگه با جادوگران آشنا نمی‌شدم قطعا با اطمینان صد در صد زندگیم کاااملا متفاوت بود ... نمیدونم متفاوت خوب یا بد ... ولی بود !
4. غیر از پیوز دوتا شناسه ی دیگه هم داشتی گویا... نام می بری یا چی؟

غیر از پیوز خیلی شناسه دیگه داشتم. قبل از پیوز یه شناسه خیلی خیلی داغان داشتم توی گریف که اصلا نام نمی‌برم. بعد از پیوز، یه مدت با «مورفین گانت» رفتم اسلی، یه مدت هم شناسم «ریپر» بود. توی ریون هم یه مدت یه مولتی داشتم که ببینم چه خبره :ygrin:

5. چرا این همه وقت فقط پیوز؟ چرا وقتی می خواستی برگردی اومدی متقاعدم کردی که برات بازش کنم؟ مگه پیوز چی داره؟

چرا این همه وقت پیوز رو میتونم به قبل برگشتن و بعد برگشتن تقسیم کنم. زمان ما تعداد پست یه عامل خیلی مهمی حساب میشد و ارزش و احترام داشت توی سایت. پیوز رو نگه داشتم چون میخواستم سابقه عضویت و تعداد پستم بالا بره ... اونموقع تعداد اعضا زیاد بود و اگه کسی تغییر شناسه میداد مدت‌ها طول میکشید تا دوباره خودشو جا بندازه ... الان اینطوری نیست.

اما بعد از برگشتن علتش صرفا این بود که، من برای تجدید خاطراتم برگشته بودم سایت. و بخش مهمی از این تجدید خاطرات برای من شناسه پیوز و گروه هافلپاف بود.

6. قصد نداری تغییر شناسه بدی؟ اگه بخوای شناسه ات رو عوض کنی، کدوم شناسه رو برمیداری؟ اگه همه ی شناسه ها باز بود، چه شناسه ای انتخاب می کردی؟

قصد ندارم تغییر شناسه بدم و گرایش خاصی هم به هیچ شناسه ای ندارم. اما فکر میکنم اگه مجبور باشم تغییر شناسه بدم هلگا هافلپاف رو انتخاب بکنم و همین نقش «پدربزرگ هافلپاف» رو به «مادربزرگ هافلپاف» تغییر بدم.

7. پست های پیوز قبل از خودت رو خوندی؟ تو پیوز بهتری هستی یا اون؟

پیوز قبل از من یعنی چی ؟ یعنی پیوز قبل از سال 85 ؟ اونو خوندم ... قطعا من بهترم :ygrin:

ولی اگه پیوز سالهای 94 تا 96 رو میگی، نه راستش هیچوقت به پستاش برخورد نکردم.

البته اینکه کی بهتر ایفای نقش میکنه خیلی سوال غلطیه چون هرکس سبک متفاوتی برای ایفای نقش داره ... بهتر و بدتر معنی نداره زیاد!

8. اولین پست رولت رو یادته؟ اگه بخوای خودتو نقد کنی، نقاط ضعفت چی بوده نسبت به الان؟

اولین پستم توی تالار هافلپاف رو یادمه، مطمئن نیستم اولین پست رولم هم بوده یا نه ... اون پست اینقدر افتضاح بود که حتی با وجود تاکید هافلپافی ها به حمایت از تازه‌واردها، ولی اون پست من نادیده گرفته شد :)))) نقاط ضعفم بی‌شمار بود. توی توصیف و فضاسازی مثلا مشکل داشتم.

9. خیلی کم هستی تو سایت. چرا؟ چه فعالیت هایی داری بیرون از سایت که نمیذاره به سایت سر بزنی؟

طبیعتا وقت کمتری نسبت به بچگیام دارم برای سایت. چه فعالیت‌هایی هم که خوب، خیلی فعالیت. درس، کار و ... ضمن اینکه از اولم قصد فعالیت خیلی جدی نداشتم قصد داشتم هفته یکی دوبار سر بزنم و یه رولی بزنم و برم.

10. قبلا عضو محفل بودی و حتی یک مدت ناظر محفل بودی. چی شد که مرگخوار شدی؟ چرا به وظایف مرگخواریت نمی رسی؟

من از همون ابتدای فعالیتم عضو مرگخوارا بودم. فعالیت های جسته‌گریخته ای داشتم تا اینکه ناظر هافلپاف شدم و نظارت تالار خصوصی اونقدر سنگین بود که دیگه وقت نداشتم خارج تالار زیاد فعالیت بکنم. لُرد اونموقع هم در یه اقدام انتحاری دسترسی کسایی که فعالیت نداشتن رو گرفت. بعدا بواسطه اتفاقاتی من وارد محفل شدم فقط

برای نظارت، یعنی من دسترسی محفل گرفتم که ناظرش باشم، حدود دو ماه ناظر محفل بودم و بعد از تحویل نظارتم دسترسیمم گفتم بگیرن. تا زمانی که امسال برگشتم به سایت و دوباره درخواست عضویت مرگخواران دادم، و بلافاصله باز منو ناظر هافلپاف کردن 😐

11. تا به حال گروه دیگه ای هم بودی غیر از هافل؟ اصلا چی شد که هافلی شدی؟

گفتم که، تقریبا توی همه گروها حداقل 1 هفته بودم :)))) ... زمانی که داشتم معرفی شخصیت میکردم (و شناسه گریفم رو بسته بودم) با ناظر وقت تالار هافلپاف آشنا شدم ... اون هدایتم کرد به هافل و واقعا خوشحالم که اینکارو کرد ... بعدا که دو گروه دیگه رو هم دیدم فهمیدم بهترین انتخابم (در اون زمان) همین هافل بوده.

12. آیا به نظر تو هم هافل و ریون به هم شبیهن؟ چرا؟

نمیدونم ... شاید نه ... نقطه مشترکشون در قدیم این بود که هردو یک فرهنگ گروهی منسجم داشتن که اونا رو با گروهای غیرمنسجمی مثل گریف و اسلی متمایز میکرد. اما الان حتی اون عنصر هم به اندازه قدیم بارز نیست توی سایت. نقطه مشترک دیگشون اینه که هردو از اون **Mainstream** گروه های داخل کتاب و گروهایی که همه دوست دارن عضوشون بشن دور بودن !

13. از نظر رودولف از نسل طلایی دوران هافل هستی که هافل گنگی بود برای خودش در حد مرگخواران و محفل و اینا... چطور میشه که یکی از گروه های چهارگانه اینطور تونست متحد و قوی ظاهر بشه؟

نکته ای که باید بهش توجه بکنید اینه که در اون زمان، رقابت اصلی بین گروه‌های چهارگانه بود. یعنی محفل و مرگخواران در رده دوم قرار داشت و تمرکز فعالیت نه فقط توی هافل، بلکه همه جا داخل گروه هاگوارتز بود. این ویژگی الان دیگه نیست و سایت دو قطبیه، پس اونموقع عجیب نبود که یک گروه هاگوارتز، به اندازه یکی از جبهه های سیاه یا سفید الآن قوی باشه. اما اینکه چطور شد که هافلپاف اینقدر متحد و قوی شد و حتی در همون زمان هم یه گنگی بود که از نظر انسجام گروهی هیچکس نمیتونست باهاش رقابت بکنه، به نظرم توی همون بحث «فرهنگ گروهی» خلاصه میشه. (چیزی که مثلا الان مرگخواران به وضوح دارن) هافلپاف دو تا عنصر داشت. یکی تعداد اعضای کم و یکی هم ریشه داشتن چندتا از بنیادی ترین اعضای سایت (مثل اسکاور) در این گروه. این باعث شده بود هافلپاف یک فرهنگ درون‌گروهی پیدا بکنه، رفاقت ها شدیدا عمیق بود توی هافل و افراد حاضر بودن برای گروهشون هرکاری بکنن.

14. حالا که هم مرگخوار بودی، هم محفلی... جو گروه ها چقدر فرق دارن با هم؟ کدومش بهتره؟

بهتر و بدتر که نسبیه، هرکس سلیقه‌ای داره. ولی به نظر من محفل هیچوقت جو خاصی نداشته. هیچوقت یک الگوی فکری و رفتاری و رولی منسجم نداشته. حداقل توی دوره‌هایی که من توی سایت بودم. و یه علتش عدم ثبات محفله (یا شایدم برعکس، نبود یک جو منسجم علت عدم ثباته). اما مرگخواران، بخصوص از وقتی که لُرد فعلی اومد و موندگار شد و ثبات بخشید، خوب تونسته تبدیل به یک خرده‌فرهنگ بشه برای خودش توی سایت و جو منسجم خودشو داشته باشه.

15. آیا هرکی به یه جبهه می پیونده فعالیتش کم میشه؟ آملیا میگه کم میشه و برای نمونه گویل رو مثال میزنه. به نظر تو دلیل خاصی داره؟

به نظر من هیچ ارتباط مستقیمی وجود نداره. درباره خود من همونطور که گفتم نظارت‌هافلپاف بود عاملش.

16. چندتا دامبلدور/ لرد دیدی تا حالا؟ چرا محفل اینقدر دامبلدور و هری پاتر عوض میکنه؟ دامبل فعلی به نظرت میتونه دووم بیاره تو این نقش؟

بی شمار :hammer: ... حساب دامبلدورها که از دستم در رفته ... لُرد هم قبل از لُرد فعلی فکر کنم 3-4 تا دیدم. اینکه چرا محفل اینقدر دامبل عوض میکنه یه علتش همون بی ثباتیشه ... دامبل فعلی هم که کلا توی هیچ شناسه‌ای نمیتونه دووم بیاره :ygrin: ... من شخصا حداقل 4-5 تا شناسه ازش دیدم تا حالا ...

اما کلا به نظر من، این تاکید بر اینکه حتما ناظر محفل دامبلدور و ناظر مرگخواران لرد باشه مسخرست. یا اینکه سایت حتما هری پاتر داشته باشه. من خودم زمانی که قرار بود ناظر محفل بشم حاضر نشدم دامبلدور بشم و برم گریف و مجبور شدن بگردن یه دامبلدور پیدا کنن بذارن کنار من ... این خیلی مضحکه.

ما اینجا نیستیم که کپی پیست داستان رولینگ رو بنویسیم. اون خودش یه بار نوشته و میتونیم بریم بخونیم و لذت ببریم. همونطور که دختر رون و هرمیون (رز ویزلی) میتونه گل و گیاه باشه، جن خونگی میتونه وزیر باشه و یه روح میتونه پیر بشه، همونطور هم میتونه محفل و مرگخوارا توسط اعضایی که شایستگی دارن با شناسه‌های خودشون بدون نیاز به تغییر شناسه اداره بشه. ما اینجاییم که با خلاقیت خودمون ایفای نقش کنیم و داستان خودمون رو بنویسیم.

17. دوباره شخصیتت رو جا نداختی و من خیلی با سبک نگارشت آشنا نیستم. طنز دوست داری یا جدی؟ کدومش بهتره اصلا؟

توی هافل جا افتاده، بیرون هافل هم تا یه جاهایی پیش رفتم بعد درگیریام زیاد شد و وقتم کم. جدی دوست دارم. هیچوقت طنزنویس خوبی نبودم. خوندن جدی رو هم بیشتر دوست دارم البته.

کدوم بهتره ؟ نسبیه ... به نظر من جدی ! چون معتقدم طنزنویسی توی سایت بیشتر به سمت لودگی و استفاده بیش از حد از شکلک ها رفته. طنز خوبی که با فضاسازی ایجاد خنده بکنه خیلی کم شده. جدی‌نویسی حداقلش اینه که مهارت‌های نگارشی و نوشتاری آدم رو ارتقا میده و یه فایده‌ای داره.

18. بهترین و بدترین پستت از نظر خودت کدومه؟ لینک بده لطفا.

نه بهترین تو ذهنمه نه بدترین ! دو تا فیلم هالی ویزارد میاد توی ذهنم که هیچکدومش قطعا بهترین پستم نیست. صرفا به یاد موندنی شده برام.

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=227744
http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=228800

19. بهترین سوژه ای که ادامه اش دادی و بهترین سوژه ی در جریان سایت کدومه و مال کدوم تاپیکه؟

بهترین سوژه در جریان سایت تاپیک «حمله!!!»

بهترین سوژه ای که تاحالا توش پست زدم، توی انجمن خصوصی هافلپاف تاپیک «حمام عمومی هافلپاف» یک سوژه جدی بود توی ژانر فانتزی اساطیری ... عالی بود. هیچوقت یادم نمیره اون سوژه.

20. کسی هست که هر پستی بزنه، بخونی؟ بهترین پستی که خوندی چی و از کی بوده؟ لینک بده اینم لطفا.

قدیم زیاد بود. مثلا درک یا پرسی ! الان نه ... بیشتر بر اساس تاپیک میخونم تا شخص.

بازم بهترین پست رو نمیتونم بگم، ولی میتونم بگم این دو تا پست (که یکی مربوط به همون سوژه کذایی توی تالار خصوصیه و فقط بچه های هافلپاف میتونن فیض خوندنش رو ببرن) بطور خاص تو ذهنم مونده :

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=197448
http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=158667

21. چرا رفتی؟ اون زمانی که تو سایت نبودی، چه اتفاقایی افتاد؟ دورانی که تو سایت نبودی، سایت کجای زندگیت بود؟ کامل انداخته بودیش یه کنار؟

رفتم، چون وارد مقطعی از زندگیم شدم که دنیای واقعیم اینقدر درگیرم کرد و اینقدر خوشآیند بود برام، که دیگه نه وقت و نه اشتیاق مجازی رو نداشتم. مهمترین ویژگی اون دوره موفقیت گروه موسیقیمون بود شاید. درگیر دانشگاه بودم و سعی میکردم تو زندگیم پیشرفت کنم. روابط عاطفی رو تجربه میکردم. ولی سایت همیشه در گوشه ذهنم بود، چون همونطور که گفتم بخش مهمی از زندگیمه ... و ارتباطم با برخی دوستای جادوگرانیم حفظ شد در همه اون سالا ...

22. چی شد که دوباره برگشتی؟ تا حالا شده که حالت از سایت بهم بخوره و بری و نخوای دیگه برگردی؟

برگشتنم خیلی مضحک بود. داشتم دنبال وبلاگ قدیمی خودم میگشتم، آدرسش رو توی گوگل زدم و چون آیدی جادوگرانم با آدرس وبلاگم یکی بود، اولین نتیجه پروفایل جادوگرانم اومد، اومدم توی سایت و حس نوستالژیکش چنان منو در خود فروبرد که دلم خواست برگردم. به نظرم جادوگران مثل سیگاره، ترک نداره :دی ... ولی خوب همونطور که واسه سه سال نبودم، ممکن بازم برم و تا مدت ها پیدام نشه ...

23. 9. از روزگار گذشته بگو برامون... روزهایی که ما جدیدترا نبودیم. جو سایت چطور بود؟ پست ها با الان چه فرقی داشت؟ در کل اون موقع رو بهتر میدونی یا الان رو؟

گذشته از نظر من خیلی بهتر بود، کمترین ویژگی مثبتش که حتما شما هم قبول دارین شلوغتر بودن ایفا بود! پست های جدی خیلی بیشتر بود، به جرئت میگم من از وقتی اومدم توی این حدود 5 ماه یه پست جدی خوب نخوندم!! همونطور که گفتم گروه‌های چهارگانه خیلی بیشتر اهمیت داشتن. و در کل فضای ایفای نقش رقابتی تر بود. که این باعث میشد هم کیفیت رول ها بره بالاتر و هم قدرت و انسجام گروه‌ها بیشتر بشه. دوستی ها هم عمیق‌تر بود در کنار این رقابت. اینطوری بود که من و آرش (پرسی ویزلی) توی سایت فحش و فحش کشی میکردیم و ده دقیقه بعد توی مسنجر خوش و بش میکردیم کاملا صمیمانه ...

خیلی بهتر بود اون دوران ...

24. وضعیت الان سایت چطوره به نظرت؟ با اوایل عضویتت که شصت قرن پیش بوده مقایسه اش کن.

الان دقیقا برعکسه. رقابت پایین، تعداد اعضا کمه، کیفیت پست‌ها شدیداً پایین‌تره و کسی هم دنبال ارتقا نیست بخاطر همون نبود رقابت. گروه‌ها افت کردن و فرهنگ گروهی وجود نداره. رفاقت ها کاملا سطحیه ...

25. از بین این همه نسلی که دیدی، کدوم یکی رو بیشتر از بقیه میپسندی؟ دلت پیش کدوم نسله؟ چه سالی؟ توی رده بندیِ نسل هات، نسلِ فعلی رو توی چه رده ای میذاری؟

نسل دوران طلایی سایت (سالهای 84 تا 86) که خودم از اسفند 85 بهشون اضافه شدم نسل محبوبم و موردپسندم هست.

دلم اما پیش نسل دوران اوج فعالیت خودم (86 تا 88) هست. نسلی که اکثر دوستام متعلق به اون نسل هستن. توی رده بندی نسل ها نمیدونم نسل فعالی رو کجا میذارم، ولی قطعا از دوتا نسل بالایی پایینتر میذارم.

26. مدیرا چه کار باید بکنن که سایت فعال تر شه؟ اصلا این قضیه به مدیرا مربوطه یا به اعضا؟ چرا اعضا هی غیب و ظاهر میشن؟

مدیرا اگه همشون حذف شناسه بکنن سایت بهشت میشه ^__^

قضیه قطعا مربوط به مدیرانه. ولی خوب اعضا هم دخیل هستن. مثلا اگه مدیر بتونه محیطی بسازه که برای فعالیت ایفایی مناسب‌تر باشه و ایجاد انگیزه بکنه برای فعالیت، این غیب و ظاهر شدن‌ها هم کمتر میشه. من دقیقا یکی از عوامل رفتن خودم رو مدیریت ایفا میدونم، نام نمیبرم خودتون برین ببینین سال 90 کیا مدیر بودن و خودتون نام ببرین :همر

مثلا یه پیشنهاد مردمی‌تر کردن مدیریت هست. مثلاً بیاین سیستم انتخابات وزارت رو یه ذره حساب‌شده تر بکنید، و مدیر ایفا رو بطور دوره‌ای با انتخابات مشخص بکنید، اینطوری رای خود اعضا مدیر رو انتخاب میکنه، و محیط هم ایفای نقشی تر میشه (وزیر واقعا قدرت اجرایی داره) ...

27. نظارت هافل چطوریاس؟ هافل چجوری باشه راضی ای؟ و چطور اونجوری میشه که راضی ای؟

نظارت هافل، حتی الان که به اندازه سابق شلوغ نیست و نصف بیشتر مسئولیت ها رو ناظر اول تالار (رز زلر) انجام میده بازم سخته. ولی خوب برای من لذت‌بخشه ...

هافل اگه بتونه دوباره اون فرهنگ گروهی و رفاقت های قدیم رو پیدا بکنه خیلی راضی‌ام. ضمن اینکه فعالیت تالار خصوصی و تاپیک های رولش بالا بره عالی میشه ...

توی این مدت سعی کردم با فعالیت های خودم و راهنمایی هایی که به رز میکنم اون محیط ایجاد بشه، تا حدی موفق بودم و تا حدی نبودم ... ولی بازم حس میکنم محیطش از بقیه گروها بیشتر نزدیکه به آرمان من هنوزم !

28. اگه یه روز دسترسی هافلت از بین بره چی میکنی؟ اگه مجبور باشی بین رفتن به یه گروه دیگه و بی گروه موندن یکی رو انتخاب کنی، کدوم رو انتخاب میکنی؟ به کدوم گروه میری؟

گفتم که بیشتر برای تجدید خاطره اومدم سایت، و بخش مهم این تجدید خاطره شناسه پیوز و گروه هافله. اگه دسترسیم از بین بره احتمالا دوباره برم از سایت ...

29. چندتا رنک داری؟ به تفکیک نام ببر.

خیلی زیاد !!! یادم نیست دقیق ...

رنک سایتی کم دارم چون بیشتر توی تالار فعال بودم همیشه. یه ناظر ماه دارم برای نظارت تالار هافلپاف و یه ایده ماه دارم برای تاپیک «سین،جیم» ... اگه اشتباه نکنم ناظر سال و ایده سال رو هم برای همونا دارم.

رنک هاگوارتزی، تقریبا هر ترمی هاگوارتز شرکت کردم دانش‌آموز نمونه شدم. یه ترم استاد نمونه شدم با شناسه «ریپر». رنک کوییدیچ هم دارم فکر کنم یکی ...

رنک داخل تالاری هم که خیلی زیاد. بهترین عضو تازه‌وارد هافل بودم. فکر کنم حداقل 4-5 تا فعالترین عضو هافلپاف دارم. بهترین نویسنده و بهترین کوییدیچ‌نویس هم فکر کنم هر کدوم یکی دو تا دارم.

30. بهترین ها رو معرفی کن.

بهترین نویسنده ی جدی حال حاضر: اصن پست جدی ندیدم تو سایت !!!!!

بهترین نویسنده ی جدی تاریخ سایت: بدون شک درک.

بهترین نویسنده ی طنز حال حاضر: بدون شک لُرد !

بهترین نویسنده ی طنز تاریخ سایت: بدون شک دنیس !

بهترین نویسنده ی هر دو سبک در حال حاضر: نمیدونم !

بهترین نویسنده ی هر دو سبک در تاریخ سایت: پرسی ویزلی شاید ... شاید تد ریموس لوپین ...

بهترین ناظر انجمن: در حال حاضر لُرد ولدمورت !

بهترین ایده انجمن: بهترین ایده آزکابان، بدترین اجرای ایده هم آزکابان !

بهترین عضو تازه وارد: یه هرمیون گرنجر هست که یکی دو تا پست ازش خوندم و به نظرم خوب میاد !

بهترین آواتار: رودولف !!! عالیه !

بهترین امضا: خودم :دی

31. وقتی تازه وارد بودی کی کمکت کرد؟ فکر می کنی بیشتر از همه تو سایت به کی مدیونی؟ الگوی نوشتنت تو سایت کیه/کی بوده؟

ناظرای وقت هافلپاف بیشتر از هرکسی کمکم کردن ... لودو بگمن، اریکا زادینگ و بعدشم ماندانگاس فلچر ! ... بیشتر از همه به لودو مدیونم ...

الگوی نوشتنم توی طنز، لودو و دنیس بودن ... طنزهای موقعیتی و مبتنی بر فضاسازیشون بی نظیر بود توی سایت. توی جدی بیشتر از کتابایی که خارج سایت میخوندم الگو میگرفتم تا اعضای داخل سایت !

32. هم دوره ای هات کیا بودن؟ چند نفرشون رو باهاشون در ارتباطی؟ بهترین دوستات تو سایت کیا هستن؟

خیلی بودن هم‌دوره‌ای هام ... آلبوس سوروس پاتر، ریتا اسکیتر اسبق، جیمز سیریوس پاتر، تد ریموس لوپین، ادوارد بونز، ویولت بودلر، لورا مدلی، بورگین (که بعد شد آراگوگ)، آراگوگ (که بعد شد هوکی :دی)، مورفین گانت و ...

متاسفانه زیاد در ارتباط نیستم باهاشون ... شاید **2-3** نفر اونم بطور دورادور ...

بهترین دوستم (خواهرم **:ylove:**) در سایت ریتا اسکیتر سابق بود ... در اعضای فعلی شاید رز ویزلی ...

33. از **88** که مصاحبه ی قبلیت بوده تا **93** که از سایت رفتی چه اتفاقایی افتاده؟ اومدم ازت پرسیدم، خیلی نیمه شب بود.. خواب بودی مثکه. :دی حوصله هم نداشتم برم بگردم تو پست های قدیمی. :همر: خودت با زبون خوش تعریف کن خلاصه. :همر خودزنی:

از **88** تا **93** ... **88** تا **90** خیلی اتفاقا افتاد. یکسال نظارت کردم و یکبار هافلپاف قهرمان هاگ شد، **89** سایت فیلتر شد، وقتی دوباره باز شد نظارت رو تحویل دادم ... تا **90** فعالیت کردم (رز ویزلی همون موقع ها عضو شد)

... بعدش دیگه 90 تا 93 خیلی جسته گریخته سایت اومدم (3-2 ماه یه بار)، تا 93 که کلا بوسیدم گذاشتم کنار و رفتم توی غیبت کبری :دی

34. چند نفر از اعضای سایت وارد زندگی واقعیت شدن؟ تا حالا چه کسایی رو از نزدیک دیدی؟ کی رو دوست داری ببینی یا باهاش بیشتر آشنا شی؟

منظورت از وارد زندگی واقعی شدن دقیقا چیه ؟!؟ چقدر وارد بشن ؟ ببین اونموقع مثلا همه عکس خودشون روی پروفایل یاهومسنجرشون بود، همه همو به چهره میشناختن، به اسم کوچیک واقعی صدا میزدن و در حد ارتباطات سطحی همه از زندگی هم خبر داشتن و با هم دوست بودن ... یکی از اولین چیزایی که توجه منو جلب کرد بعد برگشتنم این بود که ملت عکس خودشون رو روی پروفایل تلگرام نمیذاشتن و همدیگه رو با شناسه صدا میکردن که خیلی برام عجیب بود.

خیلیا بودن که حتی بیشتر از پروفایل یاهومسنجر بهشون نزدیک شدم که متاسفانه تو همون فاصله 93 تا 96 رابطم تقریبا با اکثرشون قطع شد ...

جسته گریخته اکثرشون رو دیدم از نزدیک ... از کسایی که فقط یه بار دیدم مثل الیاس (درک) یا سارا (رز ویزلی) یا آنا (رز زلر) ... تا کسایی که باهاشون رابطه تلفنی و اینا داشتم و چندبار دیدم مثل سمانه (دنیس)، پژمان (آلبوس سوروس پاتر) و آرمینا (ویولت بودلر)، تا کسایی که کاملا باهاشون صمیمی بودم و حتی مثلا خونه من اومدن مثل نیلوفر (ریتا اسکیتر اسبق) ... به اضافه کسایی که توی میتینگا دیدم مثل سورنا (آلبوس دامبلدور)، مصطفی (رودولف لسترانج) و ندا (لینی وارنر) ...

با مصطفی خیلی دوست دارم بیشتر آشنا بشم، حس میکنم دوستای خیلی خوبی میشیم ! همینطور با کیمیا (بلاتریکس)، از نزدیک دیدن دورا ویلیامز هم برام خیلی جالبه ... از قدیمیا حسرت دیدن جیمز پاتر و لورا مدلی (که اتفاقا یه دوره هایی به شدت صمیمی بودیم) به دلم مونده و هنوز قسمت نشده ...

35. از کدوم یکی از اعضا بیشتر خوشت میاد و چرا؟

رودولف ... داخل سایت شخصیت پردازیش خیلی عالیه، متد خاص خودشو داره برای شخصیت پردازی که به شدت جواب میده ... خارج سایت هم یه بار دیدمش و به نظرم شخصیت جالبی داره ...

36. از بین اعضایی که فعلاً نیستن، دلت برا کیا تنگ شده؟

نیلوفر و پژمان بیشتر از همه ... چون بهترین دوستام بودن ...

37. تو سایت دشمن داری؟ از کی بدت میاد؟ اگه منو داشتی، کی رو حذف شناسه می کردی؟

فکر نمیکنم ... شاید کسایی باشن که زیاد باهام حال نکنن، ولی دشمن ؟ گمون نکنم ...

از کسی بدم نمیاد (شایدم برای همین دشمن ندارم) ... ولی برای منم کسایی هستن که زیادم ازشون خوشم نمیاد.

و اگه منو داشتم همه مدیرا و گردانندگان رو حذف شناسه میکردم، بعدم منو خودم رو از خودم میگرفتم تا شاید وضعیت سایت یه ذره بهتر بشه ... باشد که مدیریت نباشد :دی

38. نظرت در مورد هاگ و کوییدیچ چیه؟ بهترین هاگی که تا حالا دیدی کدوم بوده؟ بهترین لیگ کوییدیچ/کوییدیچ هاگ چی؟

اگه درست مدیریت بشه عالیه برای فعال کردن سایت ... گرچه نیاز به ایده های جدید داره همیشه ...

بهترین هاگ ترم چهارم با مدیریت کوئیرل بود. بهترین کوییدیچ هاگ ترم هفتم با مدیریت پرسی ویزلی ... لیگ رو هیچوقت دنبال نمیکردم !

39. این عمری که در جادوگران گذروندی رو هدر رفته میدونی؟ چرا؟

نه ... تمرین نویسندگی کردم، دوستای خوب پیدا کردم، خاطرات خوب ساختم و از لحظاتم لذت بردم ... تا وقتی اینا باشه هیچ جای عمر هدر رفته نیست ... اگه لحظاتی بوده باشه که شامل هیچکدوم از حالتای بالا نشه، آره اونو هدر رفته میدونم ...

40. اسطوره تو جادوگران چطور به وجود میاد؟ کسی هست که به نظرت اسطوره ی جادوگرانی ها باشه؟ اسطوره ی تو کیه؟

اسطوره اول از همه با قرار گرفتن فرد در زمان و مکان مناسب ایجاد میشه ... مثلا لودو بگمن یک اسطوره هافلپافیه. واقعا برای هافل زحمت کشید و بخش زیادی از ابهت هافل در اون دوره مدیون لودو هست، ولی در عین حال در زمان مناسبی هم قرار گرفته بود، هرکس (البته هرکس با توانایی های اون نه ننه‌قمری :دی) دیگه هم اونموقع ناظر میشد امکانش بود که اسطوره بشه ...

اسطوره من فقط بابامه :دی

41. نظرت رو در مورد افراد زیر بگو.

رز ویزلی: شخصیت خارج سایتش بطرز قابل تحسین و حسادت‌برانگیزی موفق و اکتیوه ...

رز زلر: شدیدا دوست داشتنیه ...

ادوارد بونز: از هم‌نسلان من، فکر میکنم اولین ریونکلاوی که توی سایت شناختم ... هیچوقت نتونستیم دوست باشیم، ولی فکر نمیکنم هیچوقتم دشمن بوده باشیم ...

لرد ولدمورت: هرچی که مرگخواران داره از همین یه نفر داره ...

آلبوس دامبلدور: از اینکه هنوزم حوصله جادوگران اونم ایفای چنین نقش سختی رو داره، در عجبم :دی

لینی وارنر: یه دوره ای حدود سالای 88-89 زیاد چت می کردیم ... دیدم نسبت بهش توی اون سال قفل شده :))

رودلف لسترنج: داخل سایت شخصیت عالی ، خارج سایتم همینطور !

ریتا اسکیتر: توانایی های بالقوه اش خیلی بیشتر از چیزیه که بالفعل میکنه خودش ...

آرسینوس جیگر: من زیاد نمیشناسمش، فقط یه ذره حس میکنم داره توی ایفای نقشش اغراق میکنه، یه ذره ...

لایتینا فاست: نمیدانم !

آرنولد پیگمی: نمی‌دانم !

دورا ویلیامز: نوه عزیزم :ylove: بسیار دختر باهوش و دوست‌داشتنی ایه ...

آملیا فیتلوورت: خیلی زود پیشرفت کرد تو سایت و آینده خوبی در انتظارشه ...

42. وقتی وارد سایت میشی اول به کدوم قسمت سر میزنی؟ مستقیم از صفحه ی انجمن ها وارد میشی یا از صفحه ی اصلی سایت؟

مستقیم صفحه اصلی انجمن ها ...

43. اولین بار ناظر کدوم انجمن شدی؟ ناظر تالار خصوصی بودن سخت تره یا انجمن ایفا؟

اولین نظارتم متاسفانه تالار خصوصی هافلپاف بود !!!

تالار خصوصی خیلی سخت‌تر از انجمنا ایفاست ... خیییییلی سخت تر ...

44. نظرت در مورد وزارت و انتخابات وزارت چیه؟ این "باشد که نباشد" از کجا در اومده؟ بهترین وزیری که تا حالا دیدی کی بوده؟

انتخابات وزارت خیلی پتانسیل خوبی داره هم برای انواع سوژه های ایفای نقش، هم همونطور که گفتم برای استفاده به عنوان یک اهرم مدیریت بر ایفا ... ولی هیچوقت درست ازش استفاده نشده ...

باشد که نباشد برمیگرده به زمان وزارت آلبوس سوروس پاتر :)))) ... اون زمان مخالفین وزارتش یه 3-4 نفری بودن که این جبهه رو بوجود آوردن به عنوان اپوزوسیون و مثل همه چیزای دیگه توی ایران، کاملا رادیکال شد و اصن از بیخ وزارت رو زیر سوال برد :)))) هنوزم ظاهرا همونا پرچم دار این سوژه هستن ... ولی اینجا بگم که وقتی میگم انتخابات وزارت پتانسیل انواع سوژه های ایفای نقشی رو داره، همین باشد که وزارت نباشد یکیشه ... و این سوژه اونقدر کشش داشته که سالها بمونه ...

بهترین وزیر نمیدونم کی بوده ... هیچکدوم از اونایی که من دیدم زیاد خوب نبودن ...

45. وزرات وینکی-آرسی وزارت خوبیه؟ چه انتقادی بهش داری؟

من در جایگاهی نیستم که انتقاد بکنم ... تازه اومدم و زیاد خارج تالار هافلپاف فعالیت نکردم. ولی خوب من وزارت های خیلی بهتری دیدم نسبت به این ...

46. نقد کردن بهتره یا رول زدن؟ نقدهای هافل رو تو انجام میدی یا رز؟ نقد کردنت بهتره یا نوشتنت؟

رول زدن پیش زمینه نقد کردنه ... به نظرم کسی که خودش زیاد رول نزده باشه و انواع نوشتن رو تجربه و آزمون و خطا نکرده باشه، نمیتونه نقد کننده خوبی باشه ... من نقد کردنم خوبه چون مطالعه درباره نظریه ادبی و قواعد نگارش زیاد دارم، اما شخصاً رول زدن رو ترجیح میدم ...

نقدای هافل بین من و رز تقسیم شده ...

47. تعداد نقد کننده های سایت نسبتا زیاده... ناظرای تالارای خصوصی، سران جبهه ها، به علاوه ی جادوکاران ویزن. نقدهای کی رو بیشتر قبول داری؟ آیا هر نویسنده ی خوبی، یک منتقد خوب هم هست؟ اگه هست، بالقوه یا بالفعل؟

متاسفانه تعداد نقد کننده‌های سایت شده مثل خواننده‌های جامعه ... هر نویسنده خوبی لزوما منتقد خوبی نیست، ولی هر منتقد خوبی باشد خودش قبل حداقل یه نویسنده متوسط به بالا باشه ...

نقدهای لُرد رو بیشتر از همه قبول دارم ...

48. وقتی می‌خوای یه رول بنویسی، از کجا شروع میکنی؟ ایده‌ها رو چجوری گیر میاری؟ معمولاً نوشتن رولات چقد طول می‌کشه؟ تا حالا رولی رو زدی که مختص شخص یا اشخاصی خاص باشه؟

رول رو از جایی که نفر قبل تموم کرده شروع میکنم :همر:

خیلی از ایده ها رو میشه از داخل سایت، رول های بقیه، چت‌باکس و ... گرفت. من خیلی به این ایده‌ها تکیه داشتم بخصوص توی رول طنز. بجز اون دیگه خلاقیته دیگه ... خیلی وقتا میشه که منم ایده کم میارم ... ولی اصولا سعی میکنم با قرار دادن خودم بجای شخصیت اصلی رول، شرایط رو مجسم بکنم و با تجسمم ایده رو پیش ببرم. نوشتن یه رول معمولی حدود **30**-**40** دقیقه طول میکشه ...

تا حالا رولی نزدم که مختص فرد خاصی باشه ... شاید همون دوتا فیلم هالی‌ویزارد که لینک دادم بوده که یه ذره هدف‌گیری داشته ...

49. در آینده برای سایت چه اتفاقی میفته؟

نابود میشه هممون راحت میشیم ایشالا ...

50. اگه ~~روونلی~~ هلگا نکرده یه موقع سایت دیگه نباشه، چی از سایت برای همیشه برات یادگاری باقی میمونه؟ دوستام، خاطراتم، وچیزایی که یاد گرفتم توی این سالای فعالیتم ...

51. اگه در واقعیت هم هاگوارتزی وجود داشت و تو هم جادوگر بودی و گروه بندی می شدی، تو کدوم گروه میفتادی؟ خودت دوست داشتی کدوم گروه بری؟ اگه فرض کنیم هافل نمی افتادی، کدوم گروه می افتادی؟

فکر میکنم میافتادم ریونکلاو، به شخصیتم بیشتر میخوره ... خودمم انتخابم بین هافل و ریون می بود، شجاع و قدرت‌طلب که اصلا نیستم ...

پاترمور تست دادم افتادم ریونکلاو، پس اگر هافل نبودم احتمالا ریون !

52. باب بزرگ بچه های هافلی؟ سنت خیلی کمه برای باب بزرگ بودن که! 😐 در ضمن، بیخود باب بزرگی. باب بزرگ فقط باب بزرگ خودم. **:relax:** بذار برم بغلش کنم برگردم... **:p** خب.. حالا تعریف کن چی شد باب بزرگ شدی؟ **:yroll:**

باب بزرگ تو هم همسن منه ها، نهایتا یکسال بزرگتره :دی

وقتی برگشتم توی سایت، سن جادوگرانیم حداقل **4**-**5** سال از قدیمی‌ترین اعضای هافل بیشتر بود، و سن واقعیم هم حداقل **8**-**7** سال از میانگین سنی هافلپاف بالاتر بود. اینطوری بود که شدیدا حس پیری کردم. اولین پستی که بعد از برگشتم زدم، یه رول بود که توش پیوز، مثه یه پدربزرگ نشسته داره با نوه‌هاش درباره دوران طلایی هافلپاف صحبت میکنه ... ایده پدربزرگ بودن سریع گرفت توی هافلپاف و منم دیگه سعی کردم گسترشش بدم ...

53. اونایی که عکس پروفایلشون تو امضاته، کیا هستن؟ چرا تو امضاتن؟

اول از همه باید توجه کنید که من اون عکس رو سال **89** یا **90** ساختم ... و اینا اونموقع هم فسیل حساب میشدن، چه برسه به الان :))) یکی دو تاشون رو خودمم یادم نیس :((((

اینا کسایی هستن که در یکی دو سال فعالیتم، کنارم بودن، هم به عنوان دوست، هم به عنوان راهنما و کسایی که کمکم کردن ... دورانی که بهترین حسا رو داشتم توی جادوگران ...

به ترتیب از راست : مونالیزا، نیمفادورا تانکس، دنیس، آلبوس دامبلدور، ماندانگاس فلچر، لودو بگمن، هلگا هافلپاف، سامانتا پلی، ارنی مک میلان، اسکاور، آرشام، ادوارد جک، ریتا اسکیتر، اریکا زادینگ، بتی بریسوئیت، اما دابز، ویولت بودلر، آلبوس سوروس پاتر

سوالات هری پاتری:

54. اول با کتابای هری پاتر آشنا شدی، آره؟ فیلمارو هم دیدی یا به کتاب ها بسنده کردی؟

آره اول با کتابا ... فیلما رو هم بعدا دیدم همشو ... ولی خوب کتابا یه چیز دیگه بود.

55. اگه قرار باشه یکی از قدرتای شخصیت های هری پاتر رو قراره بدن بهت. کدوم رو انتخاب می کنی؟

قدرت غیب و ظاهر شدن ... کلی سرعت زندگی رو بیشتر میکنه !

56. کتاب ها و فیلم هارو به ترتیب از محبوب به منفور لیست کن.

کتابا هرچی باشه فقط ترجمه ویدا اسلامیه نباشه !!!!!

به ترتیب : محفل ققنوس – جام آتش – تالار اسرار – شاهزاده دورگه – یادگاران مرگ – زندانی آزکابان – سنگ جادو

فیلما هم اونا که کریس کلمبوس ساخته خیلی خوبه، و اونا که دیوید ییتس ساخته خیلی بد !!

به ترتیب : تالار اسرار – جام آتش – سنگ جادو – یادگاران مرگ – زندانی آزکابان – محفل ققنوس – شاهزاده دورگه

57. محبوب ترین و منفورترین شخصیت کتاب از نظرت کی بود؟

محبوب‌ترین سیریوس بلک

منفورترین فکر کنم آمبریج

58. آیا شده برگردی و دوباره بخونی/ببینی شون؟ تکراری نشده بود دیگه؟

کتاب‌ها رو ده‌ها بار خوندم تا حالا ... هیچوقت تکراری نشده و نمیشه، آخرین بار **3–4** ماه پیش کتاب سنگ جادو رو خوندم

فیلما رو کمتر ... هرکدوم رو **2–3** بار دیدم و دیگه تکراری شده همش !

59. جای رولینگ بودی چی می کردی؟ داستان همینطوری خوبه یا تغییر خاصی می دادی توش؟

مهمترین چیز پایان داستانه ... خیلی ژانگولری تموم شد ... حداقل حداقلش اون داستان مضحک ابرچوبدستی رو عوض میکردم !

60. طرفدار شخص خاصی بودی تو کتاب؟

سیریوس ...

مرگ دابی هم خیلی ناراحتم کرد.

در کل هم خوب مثل اکثر آدما طرفدار جبهه سفید بودم.

61. نمایشنامه و این چیزایی که جدید اومده هم خوندی؟ جانوران شگفت انگیز چی، دیدیش؟

نمایشنامه رو دو روز بعد از انتشار جهانیش خوندم ... بقیه کتاب جدیدا رو نخوندم چون اون اینقدر بد بود دیگه زده‌ام کرد ...

جانوران شگفت انگیز هم دیدم ... از نظر داستانی عمرا به هری‌پاتر برسه ... ولی از نظر فیلمسازی خیلی بهتر بود.

62. جمله ای، پاراگرافی، صحنه ای... چیزی از کتابا یا فیلما اگه دوست داشتی بگو.

اونجایی که دامبلدور به هری میگه «درد کشیدن نشانه انسان بودنه ... »

63. پاترمور هم عضوی؟ تو کدوم گروه افتادی؟

اینم گفتم، ریونکلاو ... پاترونوس هم سمور

سوالات شخصی:

64. خصوصیات اخلاقی پیوز چقدر شبیه خودته؟ البته یه دور برامون تعریف کن که اصلا پیوز تو چه شکلیه... چون من و احتمالا خیلیای دیگه نمیدونیم.

اینکه پیوز چه شکلیه خودش سه دوره داره. ابتدای عضویتم که شخصیت پردازی بلد نبودم، عملا پیوز بازتابی از شخصیت خودم بود. سالای **85** تا **87** یعنی ... تقریبا هیچ ایفای نقش خاصی نداشتم. بعد که کمی پیشرفت کردم، فاصله سالای **87** تا **89** شخصیتی که از پیوز ساختم، یه روح مزاحم شدیدا روی اعصاب بود. طوری که بعضیا که توی یاهومسنجر باهام چت میکردن باورشون نمیشد من همون آدمم ... شدیدا نفرت انگیز شکل داده بودم شخصیت رو بخصوص خارج تالار هافلپاف ... اینجا داستان کات میخوره میاد تا سال **96** که برگشتم به سایت

اینبار با توجه به شرایطی که گفتم، پیوز رو یک پیرمرد آلزایمری، با ضعف شدید جسمانی، با کلاه و عصا (و حتی شاید سبیل) تصویر کردم، شبیه یه بابابزرگ قدیمی ایرانی، که البته مثل هر بابابزرگی حالت ریش‌سفیدگونه خودشم داره، ولی در عین حال چون یه زمانی روح مزاحم هاگوارتز بوده یه سری شیطنت ها و مزاحمت های هم داره.

ضمنا چون آلزایمر داره مسیر خانه گریمولد رو گم کرده و اشتباهی عضو مرگخوارا شده :دی

65. بهترین و بدترین اخلاقت چیه؟ چه اخلاقی رو دوست داری نداشته باشی، اما داری؟ و بالعکس.

بهترینش رو نمیدونم، شاید اینکه تمام تلاشم رو میکنم دروغ نگم ... یا اینکه خیلی اهل اینم که پای درد دل ملت بشینم و سعی میکنم رازدار باشم ...

بدترینش، شاید اینکه یه ذره سختگیرم بخصوص توی روابطم، کلا چارچوب های اخلاقی سختی برای خودم دارم.

دوست داشتم این سختگیری ها رو نداشتم چون حس میکنم خیلی تعهد اخلاقی زیادی هم فایده ای نداره و لذت ها رو از آدم میگیره

66. جمع یا تنهایی؟ چه جور جمع و افرادی رو می پسندی/ ازشون فرار می کنی؟

بستگی داره، ولی بیشتر اوقات تنهایی ...

جمعای کوچیک **2**-**3** نفره ولی صمیمی رو خیلی می پسندم.

جمعای خیلی شلوغ و جمعایی که شوخیاشون بر اساس تحقیر و تخریب همدیگه است رو ازشون فراری ام.

67. خودت رو برای رضایت و جلب توجه دیگران، عوض میکنی؟

هرگز این کار رو نکردم تو زندگیم! و البته ضربه اش رو هم خوردم !!

68. تا حالا از این تستای **MBTI** و مشابه اون که در مورد شخصیت شناسیه انجام دادی؟ نتیجه اش چی بوده؟ در کل، درون‌گرا هستی یا برون‌گرا؟

بواسطه رشتم اکثر تستای شخصیت رو میشناسم و خودمم دادم. من شخصیتم **INTJ** هست. درونگرا هستم شدیدا، تصمیمات و اداراکتم بیشتر عقلانی و منطقیه، و چارچوب های خاص خودم رو برای زندگی دارم ...

69. نخستین روزهای بهار خود را چگونه می گذرانی؟ :همر:

با جواب دادن به این سوالات دری وری :دی میخواستم برم سفر، پول نداشتم :دی ... دارم تهرانگردی میکنم.

70. اهل کتاب/ فیلم/ گیم هستی؟ چه ژانری؟ بهترینارو معرفی کن بهمون لطفا.

اهل گیم اصلا نیستم ... اصلا ! اصلا !! اصلا !!!

کتاب خیلی، رمان های اجتماعی و فلسفی رو خیلی دوست دارم. بهترینا شاید «عقاید یک دلقک» و «زمانی که یک اثرهنری بودم»

فیلم هم جسته گریخته، درام های اجتماعی رو دوست دارم، «دوازده مرد خشمگین» و «مرد دردمند» مثلا

71. یه فانتزی که همیشه تو ذهنته نقل کن برامون.

استغفرالله ... :همر:

از بچگی دوست داشتم یه روز استاد دانشگاه کیمبریج بشم مثلا ...

72. چه رنگی رو دوست داری؟ اتاقت چه رنگیه؟

رنگ مورد علاقه‌ام بنفشه .. بنفش تیره ...

اتاقم اما به علت گشادی من در امر طراحی داخلی، همون رنگیه که سازنده خونه ساخته ...

73. آشپزی هم بلدی یا بخوریم غذاهاتو به فنا میریم؟ خودت چه غذایی رو دوست داری؟ اگه مجبور بشی تا آخر عمرت با یه غذا زندگی کنی، اون چیه؟

بخوری غذای منو ممکنه چندتا انگشتت رو از دست بدی ... از طرف پدر و مادر هردو ژن آشپزی دارم و **4-5** سال زندگی تنهایی، این ژن رو فعال کرده ...

خودم گیاهخوارم ، غذای مورد علاقم کوکوسبزی هست، و کلا با اکثر غذاهایی که بر مبنای تخم مرغ باشه میتونم تا آخر عمر زندگی کنم :دی

74. فقط ساز دهنی میزنی یا ساز دیگه ای هم بلدی؟ اصلا چرا ساز دهنی؟

تو از کجا میدونی چه سازی میزنم ؟!؟ سرتو از زندگی من بکش بیرون !!!!

من درواقع هارمونیکا میزنم ... هارمونیکا یه سازیه که **4** تا نوع اصلی داره، یکی از این **4** نوع سازدهنیه(**Mouth Organ**) که من زیاد بلد نیستم. سازهای تخصصی من کروماتیکا و بلوزهارپ هست.

موسیقی در در بچگی با پیانو شروع کردم و **4** سال پیانو زدم بعد ول کردم. هنوزم یه چیزای محدودی از پیانو یادمه. بجز اون گیتارم تا حدی بلدم. یه ذره هم نی‌لبک ایرلندی (**Irish Whisle**) میزنم.

خیلی دوست دارم یه ساز ایرانی یاد بگیرم اخیرا ...

75. آهنگ چی گوش میکنی؟ چه سبکی؟ طرفدار فرد یا گروه خاصی هستی؟ اگه بخوای به کسی که تا حالا آهنگای اون فرد/ گروه رو نشنیده، یه **track** معرفی کنی که برای اولین بار بشنوه، اون چیه؟

آهنگ همه چیز گوش میکنم، از سنتی تا کلاسیک، از پاپ تا متال ... هنرمندای زیادی هم هستن که طرفدارشونم، مثلا داخلی گروه «پالت» و خارجی مثلا گروه **Pink Floyd**

از پالت مثلا آهنگای «آقای بنفش» یا «خسرو و شیرین»

از پینک فلوید مثلا آهنگای **Brain Damage** یا **Comfortably Numb**

76. موزیک خاصی هست که تا حالا چونصد هزار دور گوشش کردی باشی؟ چی و چرا؟

بازم جوابت اینه که خیلی زیاده موزیکای اینطوری ... به دلایل مختلف ممکنه روش کلید کنم، شعر عالی، ملودی عالی، خاطراتی که باهاش دارم ...

داخلی مثلا آهنگ «دیوانه» از گروه «داماهی»

خارجی مثلا آهنگ **Stationary Traveller** از گروه **Camel**

77. به فال، طالع بینی، کف بینی،... اعتقاد داری؟ وسیله ای داری که اعتقاد داشته باشی باعث شانست میشه؟

اعتقاد ندارم ... کسی هست هنوز توی قرن **21** به این چیزا اعتقاد داشته باشه ؟!؟

78. خیلی درسخونی؟! 😐 کمترین معدلت چند بوده تا حالا؟

خیلی درسخون نیستم، ولی استعداد خوبی در نمره آوردن دارم :))) ... کمترین معدلم فکر نکنم کمتر از **16** بوده باشه ... حدودای **16.5** شاید بوده باشه ...

79. خاطره ی خاصی از دوران مدرسه نداری برامون تعریف کنی؟ (جیم شده باشی، از کلاس انداخته باشنت بیرون، خرابکاری کرده باشی...)

همه این چیزایی که گفتی رو دارم، ولی هیچکدومش خاص و شاخص نیست الان توی ذهنم ...

شاید مثلا اون دفتری که سر همه کلاسا، با بهترین دوستم توش باهم حرف میزدیم بطور نوشتاری، که معلما بهمون گیر ندن چرا حرف میزنین، کلی درد دل، حرفای خصوصی، فحش (!) و ... توشه و هنوزم دارمش :))

80. بهترین رشوه ای که می شه بهت داد چیه؟

بستگی داره دختر باشی یا پسر :دی

81. فکر کن هر جای تاریخ دنیا رو بخوای توی هر کشوری میتونی تغییر بدی. کجاشو عوض میکنی؟

اونجا که انسان اولین بار شهرنشین شد !

82. اگه بهت زمان برگردان بدن، دلت میخواد به چه روزی برگردی؟ چه چیزی رو تو زندگیت عوض می کنی؟ اصلا عوض کنی بهتره یا نکنی؟

نمیدونم عوض کنم بهتره یا نه ... اثر پروانه ایه ، شاید یه تغییر کوچیک همه چیزو خیلی بهتر بکنه، شایدم خیلی بدتر.

ولی اگه بتونم قطعا انتخاب رشتم رو عوض میکنم ... یا برمیگردم به دبیرستان و میرم انسانی، یا برمیگردم به سال کنکور و حداقل واسه دانشگاه یکی از رشته های علوم انسانی رو انتخاب میکنم !

83. تو آینه نفاق انگیز چی می بینی؟ پیوز چی میبینه؟

آینه نفاق انگیزه دیگه چه کوفتیه ؟!؟ همون Mirror of Erised ؟؟؟ ترجمه ویدا اسلامیه است ؟؟؟؟؟

من توی آینه نفاق انگیز خودم رو میبینم، که دو سه تا دوستای صمیمی و همفکرم کنارم ایستادن، و دست توی دست عشقم هستم. همگی داریم میخندیم ...

پیوز چی میبینه ؟!؟ برگشتن هاگوارتز به دوران اوجش و موفقیت همه گروه های چهارگانه، و در صدر همه هافلپاف!

84. اگه بتونی نامرئی شی و هر جایی بخوای بری (فقط یک ساعت) کجا میری؟

حموم زنونه ! :دی (اگه فقط در حد یکساعت باشه فقط به درد همین کار میخوره)

85. ده سال بعد کجایی؟ چیکار می کنی؟ اون موقع به جادوگران فکر می کنی اصلا؟ وقتی به این روزهات تو جادوگران فکر کنی چه حسی بهت دست میده؟

نمیشه گفت، من ده سال پیشم فکر نمیکردم 24 سالگیم این شکلی باشه ... خیلی متفاوت (از جهت منفی) شده با تصوراتم ... ولی خوب ...

ده سال دیگه احتمالا (و انشالله) ایران نیستم ... یه کار به عنوان نویسنده یا پژوهشگر یا استاد دانشگاه دارم، با معشوقم زندگی میکنم و باهم سفر میریم ...

به جادوگران احتمالا فکر نمیکنم، ولی قطعا اگه اتفاقی بیافته که یادش بیافتم، خاطرات خوبش با جزییات توی ذهنم مونده ... و بهم حس خوبی میده

86. پاتریشیا میگه برای ادامه ی تحصیل قراره بری بلاد کفر... آره؟ کجا حالا به سلامتی؟ تشریف داشتین! :همر:

ترجیحم اینه که برم، برای ادامه تحصیل و ادامه زندگی کلا ... روحیاتم اصلا به این جامعه نمیخوره ...

به هرآن کجا که باشد بجز این سرا، سرایم ... فرهنگش اروپایی باشه (تاکید میکنم اروپایی نه آمریکایی)، حالت ایده‌آل برام انگلستانه ...

87. اگه قلم پر دست تو بود با کی مصاحبه می کردی؟ هم از بچه های سایت، هم یه شخصیت واقعی.

از بچه های سایت احتمالا خودت (ریتا) ... یا رز زلر (اگه اخیرا مصاحبه نشده)

شخصیت واقعی هم، کسایی مثل علیا ماجده‌المهدی، یا حتی اما واتسون ... اکتیویست های حقوق بشر همیشه برام جالب بودن کلا ...

88. کی رو برای مصاحبه بعدی پیشنهاد می کنی؟

همون دوتا که اون بالا گفتم :دی

89. از سوالا که خسته نشدی؟ :دی

من وقتی ازم دعوت کردی، گفتم کسی منو نمیشناسه، کم سوال میپرسن مصاحبه راحتیه ...

خسته نشدم! سرویس شدم !!!

90. تیکه کلام خاصی داری؟ چیه؟

ندارم ... چیزی به ذهنم نمیاد ... شعر و ضرب‌المثل زیاد استفاده میکنم ولی تو حرفام ...

91. خارج از جادوگران، اهل قلم هستی؟ وبلاگ داری؟ چه سایتایی غیر از جادو فعالیت می کنی؟

از 8 سالگی شعر میگفتم و از 10 سالگی داستان مینوشتم.

از 12 سالگی وبلاگ‌نویس بودم ... هنوزم یکیش هست که خیلی کم توش مینویسم.

غیر از جادوگران توی سایتای فارسی هیچی، ولی توی شبکه های اجتماعی Medium و Twitter فعالم کمابیش

92. وقتی تنهایی یا حوصله ات سر میره چیکار می کنی؟ تفریحاتت چیه؟ وقتی تنها نیستی چی؟

تنهایی بیشتر کتاب خوندن و آهنگ گوش کردنه، گاهی فیلم دیدن ... و مهمتر از همه چای خوردن ...

وقتی تنها نیستم بستگی به جمع داره، بیرون رفتم، گپ زدن، و شاید مهمتر از همه ساز زدن ... بهترین تفریحم همیشه با نزدیکترین دوستام همنوازی هامون بوده ...

93. یه روز کامل رو از صبح که بیدار میشی تا شب که میخوابی بهمون بگو چیکار می کنی؛ روزت چه طور میگذره در واقع.

هممم ... اگه کار و دانشگاه باشه که تا ظهر دانشگاه یا تا عصر سر کارم ... بعدشم اصولا یه غذایی درست کنم بخورم، یه سریالی ببینم، یه ذره کتاب بخونم و بخوابم ... دوستای خیییلی کمی دارم ولی اگه پیش بیاد شاید با یه دوستی برم کافه‌ای چیزی ...

اگه روز تعطیل باشه، عموما صبحا زود بیدار میشم بر خلاف اکثر آدما، گاهی میرم تو پارک یه ذره ورزش میکنم اگه هوا خیلی آلوده نباشه. دوش میگیرم و صبحانه میخورم... بعدم کتاب و اینا میخونم بیشتر، عصرا هم یه سری به دوستا یا اقوام میزنم ...

94. تا حالا شده حرفی بزنی یا از چیزی/ کسی دفاع کرده باشی، بعد یهویی متوجه شی داری کاملا چرت میگی؟ تعریف کن برامون.

یادم نمیاد شده باشه ...یه علتش اینه که درونگرا و کم حرفم، و آدمای درونگرا خیلی رو حرفاشون فکر میکنن و خیلی از مورد تمسخر واقع شدن وحشت دارن ... واسه همین منم اصولا بدون فکر و اطمینان حرفی نمیزنم.

95. سوالات دوگزینه ای: یکی رو انتخاب کن.

ترکوندن کسی که ازش متنفری یا رسیدن به کسی که دوستش داری؟ رسیدن به کسی که دوست دارم

اینترنت مادام العمر رایگان با سرعت بی نهایت یا گنجی که دلت میخواد داشته باشی؟ اینترنت مادام‌العمر

داشتن یه کتابخونه با پنج هزار جلد کتاب یا رفتن به سفر دور دنیا؟ سفر به دور دنیا، به اندازه یه کتابخونه پنج‌هزار جلدی و حتی بیشتر به آدم چیز یاد میده ...

رفتن به جشن امضای کتاب نویسنده ی مورد علاقه ات یا رفتن به کنسرت خواننده ی مورد علاقه ات؟ کنسرت

داشتن تعداد زیادی دوست خوب یا تعداد محدودی دوست فوق العاده؟ تعداد محدودی دوست فوق‌العاده

روزانه یه کتاب رایگان یا روزانه یه پیتزای رایگان؟ کتاب رایگان

96. چی حالتو خوب یا بد میکنه؟ بلدی حال خودتو خوب کنی؟

بلد نیستم حال خودمو خوب کنم ... هرچقدرم بزرگتر میشم مهارتم در این زمینه کمتر میشه بجای بیشتر !

یه دوست خوب، یه موزیک خوب، یه بحث خوب، یا تجربه کردن عشق ... اینا چیزاییه که حالمو خوب میکنه.

97. فکر کن یه سفر تفریحی برنده شدی که باید با یکی از اعضای سایت بری. با کی میری؟

از اعضای فعلی ؟!؟ سخته ... تنها کسی که ممکنه اینقدر باهاش صمیمی باشم «لورا مدلی» هست :))))

98. اگه بتونی یه نفرو توی دنیا به آرزوش برسونی، اون کیه؟ به جز خودت.

کسی که آرزوش من باشم :دی

سوالات متفرقه:

99. یکی از اعضای سایت رو انتخاب کن، ازش نقاشی بکش (نقاشی معمولی یا Paint) و بذارش اینجا.

خجالت بکش !!! مگه از بچه 5 ساله داره مصاحبه میگیری ؟!؟؟

استعداد نقاشیم صفره صفره ...

100. پنج نفر از اعضای سایت رو انتخاب کن و هرکدوم رو به یه شخص یا شئ تشبیه کن.

اینا دیگه چه سوالاییه ؟!؟

101. اگه از بین سوالای بچه سوالی هست که من نپرسیده باشم، اما دوست داری بهش جواب بدی، کپیش کن و جواب بده.

غیر داستان هری پاتر و نویسندگی، چیزی هست که به نظرت بین بچه های سایت مشترک باشه؟

آره ... یه نیاز برای فرار از یه دنیای واقعی و زندگی در یه دنیای خیالی ...

دلت نمیخواد که کلا یه روز بیخیال تمام جهان، بی منطق بگردی؟ شاید یوقتایی از این کارا هم میکنی؟ هوم؟

گاهی میکنم، ولی خیلی کم فرصت میکنم ... توی اون سنی که فرصتش رو داشتم کمتر این کارو کردم ... بهترین کار همینه اصلا ... سنش هم 18 تا 22 سالگیه ... استفاده کنید هروقت رسیدید بهش

راستی از ارث که محروم نشدم؟ (اگه آلزایمر نداری جواب بده)

خیلی بابا بزرگ خوبی هستی برام! فقط خواستم بگم که بدونی...

دورا :yhug: دخترم ... محرومیتت از ارث بستگی به اون کاری داره که بهت گفتم ...

تو هم خیلی نوه دوست‌داشتنی هستی ... 3>

یه چیزی که در مورد ۹۹ درصد آدما صدق می‌کنه اینه که نمی‌تونن با نسل بعد از خودشون ارتباط خوبی داشته باشن. خیلی کم پیش میاد که آدمای جدید به دلشون بشینن. آدما اکثرا با هم‌نسلا و قدیمی‌تر از خودشون می‌تونن ارتباط خوبی برقرار کنن. چرا واقعاً؟

به نظرم خیلی طبیعیه. آدما استانداردهاشون رو با نسل قبل خودشون تنظیم میکنن (مثل بچه ای که از والدین یاد میگیره)، و روابط و دوستی‌هاشون رو با نسل خودشون. در نتیجه وقتی با دنیای جدیدی مواجه میشن که توش نه دوستی ها به اون شکله و نه استانداردهای رفتاری قدیمی رعایت میشه، براشون ناشناخته است و نمیتونن باهاش ارتباط برقرار بکنن ...

102. کدوم سوالو بیشتر از همه دوست داشتی؟

سوال 13 ... سوال 34 ... سوال 53 ... سوال 83 ... سوال 95

103. سوالی هست که من یا دیگران نپرسیده باشیم ولی دوست داشته باشی بهش جواب بدی؟ حرف خاصی؟ صحبتی؟ تعارف نکن! :همر:

حقیقتا من فکر نمیکنم اگه کل سوالایی که از ابتدای تاریخ بشر طرح شده رو روی هم جمع بکنیم بیشتر از 103 تا بشه، و نه تنها سوالی نیست دیگه، بلکه خیلی کنجکاوم بدونم سوال بعدی چیه و از کجات درآوردی !!!

104. حرف آخر؟ یا همون: هر چه میخواد دل تنگت بگو.

هممم ... به عنوان یه عضو فسیل میخوام یه توصیه بکنم به بچه های سایت که اکثرا از من کوچیکترن. اونم اینکه هرکاری رو توی سن خودش انجام بدن ... نه زودتر نه دیرتر ... سعی نکنن زود بزرگ بشن، سعی نکنن زیادی عقلانی رفتار کنن ... از اون طرف هم سعی نکنن کارا رو به بعد موکول بکنن ... توی سن خودش دوست‌دختر و دوست‌پسر داشته باشن ... توی سن خودش کتاب بخونن (چون هرچی بگذره وقتتون برای اینکار کمتر میشه) ... توی سن خودش سفر برن و سعی کنن هر تجربه ناشناخته ای رو کشف کنن ... توی سن خودش درس بخونن ... توی سن خودش هم برن دنبال کار ... قدر تک تک لحظاتتون رو بدونید و زیاد نگران آینده نباشید ... آینده بهرحال میاد ! اکثر اوقات هم تهش اصلا اون چیزی نمیشه که فکر میکردین و براش برنامه ریزی میکردین، پس سعی کنید از زمان حالتون نهایت لذت رو ببرین و هرکاری رو به وقت خودش انجام بدین ... چو فردا شود، فکر فردا کنید !!

عزت زیاد :دی